

نمادپردازی جایگاه تمدنی اهل بیت (ع) مبتنی بر کاربست واژه «منار» در ادعیه و زیارات مأثوره

محمد مصطفی اسعدی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2025.30384.1122](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.30384.1122)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱



چکیده

درک دقیق جایگاه تاریخی و تمدنی اهل بیت، مبتنی بر تحلیل عمیق آموزه‌های ایشان از جمله متون نیایشی است. مسئله مشخص در پژوهش حاضر آن است که اهل بیت چگونه با کاربرست واژه منار در ادعیه و زیارات، به نمادپردازی در تعلیم و تفهیم همگانی نسبت به جایگاه تمدنی خود پرداخته‌اند؟ بر اساس یافته‌های پژوهش به روش تحلیلی در میان ادعیه و زیارات، این نمادپردازی در چهار جنبه عینی و محیطی منار، جنبه نوری و روشن‌گری منار، جنبه راه‌نمایی و راه‌گشایی منار و نهایتاً، جنبه آیینی و آوایی منار قابل تحلیل است. در نتیجه مشخص گردید که حتی در ادعیه و زیارات که به صورت طبیعی جنبه معنوی دارند، می‌توان ابعاد محسوس و ملموس را در معناسازی و پیام‌پردازی جانمایی و رهگیری کرد. به علاوه در متن ادعیه و زیارات، نه تنها بایستی فرازاها و گزاره‌ها مورد توجه و تعمق باشند، بلکه علاوه بر آن تک-واژه‌ها و اصطلاحات نیز بایستی مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرند. در نهایت، کاربرست این واژه در زیارات، می‌تواند حاکی از یک روش مستقل نمادگرایانه، در تبلیغ و آموزش مفاهیم دینی باشد.

کلیدواژه‌ها: منار، نمادپردازی، اهل بیت، تمدن اسلامی، دعا و زیارت



۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران asady.m@iums.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

نیک می‌دانیم اهل بیت به‌عنوان راهبران اصیل فرهنگ دینی به ارائه بینش، ارزش و منش معیار در قالب آموزه‌های دینی برای همه ادوار تاریخی و عموم جامعه بشریت پرداخته‌اند. فرهنگ‌آموزی در سیره آن بزرگواران صرفاً در قالب خطابه‌ها، گفتارها و گفتگوها بروز نیافته و بخش مهمی از این فرایند آموزش در قالب متون نیایشی و معنوی به‌عنوان دعا منتقل گردیده است. یعنی ادعیه مأثوره از اهل‌بیت، آموزش دین را در بستر معنویت رقم زده است تا معنویت‌زایی با معرفت‌افزایی و آگاهی‌بخشی همراه باشد.

از دیگر سو، یکی از نقاط خلأ و یکی از نیازهای مستمر جامعه اسلامی و جامعه بشری در قبال اهل‌بیت، درک صحیح از جایگاه الهی و دینی ایشان بوده است؛ چه این‌که در دوران حضور، همواره جریان‌های سیاسی و دینی معارض با ایشان، سعی داشتند مرجعیت و جایگاه اصیل جانشینان منصوب نبوی را به حاشیه رانده و مردم را از ایشان دور سازند. بر همین اساس، یکی از راهبردهای اهل‌بیت آگاهی بخشی نسبت به شأن واقعی پیشوایان دین بوده است. درک این راهبرد، لزوماً در قالب آموزه‌های کلامی، مناقب و فضائل و یا اختصاصات اهل‌بیت صورت نیافته است؛ بلکه بخش مهمی از آن در ملموس‌سازی و عینی‌سازی جایگاه اهل‌بیت در گزاره‌هایی است که برای عموم جامعه قابل درک بوده باشد.

در همین راستا، یکی از واژگانی که به‌صورت پرتکرار و متنوع نسبت به اهل‌بیت در ادعیه و زیارات بیان گردیده، اصطلاح منار است. در متون نیایشی و معنوی در چند مقطع عنوان «منار» به‌صورت جمعی یا فردی به اهل‌بیت نسبت داده شده است. یک نمونه از آن در نیایش‌های صحیفه سجاده و ذیل دعای مربوط به روز عرفه در بیان جایگاه امام و با عنوان «مناراً فی بلادک» بیان گردیده است (امام زین‌العابدین علیه السلام، ۱۳۷۶: نیایش ۴۷). اقبال الاعمال نیز همین دعا را گزارش نموده است (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۳۵۰/۱). در مهج الدعوات نیز در دعایی به نقل از موسی بن جعفر علیهما سلام، ائمه به‌صورت کلی به عنوان «منار» توصیف گردیده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۳۴). نمونه دیگر دعایی در کامل الزیارات است که ناظر به همه ائمه و منقول از امام رضا علیه السلام است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۱۸). بیان مشابه دیگری در زیارتی دیگر با همین عنوان در من لا یحضره الفقیه گزارش شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۶۱۱/۲). مصباح‌المتجهّد نیز این موضوع را در نقل صلوات خاصه ائمه نسبت به امام باقر علیه السلام و به املائی امام عسکری علیه السلام با عنوان «مناراً لبلادک» گزارش نموده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۳/۱). مزار کبیر نیز در نقل یکی از زیارات امیرالمؤمنین، چنین گزارش نموده است: «... فجعلک مناراً فی بلادک...» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۳۰۶). البته در مقطعی دیگر آن را نسبت به تمامی ائمه



هم آورده است (همان، ۵۲۷). بر این اساس عنوان منار به چهار شکل در ادعیه نسبت به اهل بیت مطرح گردیده است:

۱. «منار» به صورت مطلق و بدون هرگونه قیدی نسبت به جایگاه عموم اهل بیت که انتساب یک شیئی یا یک سازه به یک گروه انسانی است.

۲. «منار بلاد» نسبت به جایگاه امام بدون تعیین مورد که مشخص کننده ارتباط این عنوان با سرزمین‌ها است و درواقع، جایگاه سرزمینی تک‌تک اهل بیت را تفهیم می‌نماید.

۳. «منار بلاد» نسبت به جایگاه عموم اهل بیت که همان عنوان قبلی است؛ با این تفاوت که رویکرد جمعی دارد و جایگاه مجموع آن بزرگواران را به مثابه کلّ در نظر دارد.

۴. «منار بلاد» نسبت به جایگاه یک امام خاص با تعیین مورد که مشابه حالت دوم است؛ با این تفاوت که امام به صورت کلی لحاظ نشده و امام مشخصی در یک زیارت مورد توجه و خطاب است.

این تنوع گونه‌ها اولاً، می‌فهماند که این عنوان می‌تواند هم در رویکرد انفرادی و هم در رویکرد جمعی نسبت به اهل بیت در نظر گرفته شود و شخص امام با مجموع ائمه در این جهت تفاوتی ندارد. ثانیاً این معنا به صورت عمده در نسبت میان آن بزرگواران با جامعه بایستی لحاظ شود و صرفاً به صورت یک معنای مجزای از شرایط محیطی و سرزمینی در نظر گرفته نمی‌شود. زیرا امام در نسبت با بلد و سرزمین جایگاه یافته است.

البته غیر از موارد فوق که در ادعیه و زیارات مطرح شده‌اند، در سایر بیانات اهل بیت گونه‌های دیگری از نسبت منار به امام مطرح گردیده که ابعاد بحث را گسترش می‌دهند؛ مانند: «... مناراً یبصر به اعمال العباد» (علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۱۵) و نیز منار در نسبت با «هدایت» که مکرر در بیانات آن بزرگواران به چشم می‌خورد (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۲/ ۳۷۱). بنابراین جایگاه مناری اهل بیت اعم از ادعیه و زیارات مأثوره و نیز گفتارهای ایشان هم در نسبت با سرزمین‌ها و مردمان در نظر گرفته می‌شود و هم در نسبت با مسائل دینی و هدایتی انسان‌ها که هرکدام قابل تحلیل و بررسی است. این نگاه هم در رویکرد امام‌شناسانه قابل رهگیری است و هم در رویکرد اجتماعی و تمدنی و نسبت اهل بیت با جامعه و جهان قابل پیگیری است.

با بیان مقدمه پیشین، مسئله مشخص در پژوهش حاضر آن است که اهل بیت چگونه با کاربست واژه منار در ادعیه و زیارات، به نمادپردازی در تفهیم همگانی و عمومی نسبت به جایگاه تمدنی خود پرداخته‌اند؟ به دیگر سخن در متون معنوی و نیایشی چگونه جایگاه اهل بیت به صورت نمادین با استفاده از واژه



منار برای عموم اُمت اسلامی تبیین گردیده و ایشان چگونه نسبت خود را با تمدن اسلامی قابل فهم ساخته‌اند؟

ضرورت پاسخ به این مسئله از یک سو در اهمیت شناخت عمومی و معرفت به جایگاه اهل بیت درک می‌شود که مساوی با هدایت انسان است و عدم برخورداری از آن مساوی با مرگ جاهلیت دانسته شده است. چنان‌که رسول خدا (ص) پیامد عدم معرفت به امام را در همین موضوع لحاظ فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۰۹/۲ و احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق: ۸۸/۲۸). از سوی دوم، اهمیت این مسئله در بعد آموزشی نسبت به استفاده از نمادها در تبیین موضوعات و مسائل غیرمحمسوس درک می‌شود که بایستی از روش‌های آموزشی و ادراکی اهل بیت در این زمینه استفاده نمود و بخشی از این روش‌ها در قالب متون نیایشی قابل رهگیری است. یعنی اگر بتوان به درستی این جنبه از نمادپردازی در بیان ایشان را تحلیل نمود؛ آن‌گاه این روش قابل استفاده در سایر موضوعات آموزشی و فرهنگی دیگر نیز خواهد بود.

پیش از این پژوهشی که منطبق با مسئله حاضر بوده باشد، یافت نگردید. عمده پژوهش‌های مرتبط به بعد فیزیکی و معماری مناره در معماری اسلامی و تاریخ تمدن اسلامی پرداخته‌اند. برای نمونه در مقاله «بازخوانی نماد مناره مساجد اسلامی در رویکردی تاریخی و پدیدارشناسانه»^۱ به ریشه‌های تاریخی و عبادی این سازه توجه و آن‌گاه به کارکردهای عرفی آن پرداخته شده است و نسبتی با این واژه در متون نیایشی و جایگاه اهل بیت ندارد. نیز مقاله «نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در مناره‌ها و میل‌های راهنما»^۲ همین رویکرد را لحاظ تنوع مناره‌ها در آثار تاریخی ایران اسلامی دنبال گردیده است و اشمالی به مباحث حاضر دیده نمی‌شود. اما در زمینه کاربردهای تمدنی ادعیه، در پژوهشی با عنوان «تأثیر دعا در رشد و شکوفایی فرهنگی و تمدنی شیعه»^۳ به تحلیل و بررسی دعای ندبه، مناجات مکارم الاخلاق و زیارت امین الله پرداخته شده که رویکردی به دال مرکزی مقاله حاضر و جایگاه تمدنی اهل بیت ندارد.

بر همین اساس، جنبه نوآوری پژوهش حاضر از یک سو در رویکرد اجتماعی و تمدنی به ادعیه و زیارات است که در کنار جنبه معنوی و عرفانی به صورت مستقل قابل مذاقه است؛ آن‌هم در موضوعی کاملاً موردی و جزئی که جنبه‌های تاریخی و محیطی متعدد دارد. از سوی دوم، این پژوهش با نگاهی

۱. علی‌رضا صیادنژاد، فصل‌نامه سخن تاریخ، شماره ۳۹، ص ۷-۳۵.

۲. نازنین بهرامی سامانی و دیگران، نشریه هویت شهر، شماره ۴۹، ص ۵۹-۷۰.

۳. علی‌نوری مطلق و اعظم عاشوری، فصل‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۴۰، ص ۸۳-۱۰۴.



نوآورانه، می‌کوشد نمادپردازی را فارغ از جنبه بصری و فیزیکی، در نوع بیان و گفتار اهل بیت رصد نماید تا روشن گردد که نماد در دیدگاه ایشان ابعاد قابل بحث فراوانی دارد که همچنان مغفول است.

پیش‌فرض در پژوهش حاضر آن است که کاربست اصطلاح منار در گونه‌های مختلف روایی و نیایشی، به‌عنوان یک روش نمادین و عینیت‌نما در تبیین جایگاه شاخص و بی‌بدیل اهل بیت در رویکرد تمدنی لحاظ گردیده است تا هم جامعه عصر حضور و هم تمام اعصار آتی در امت اسلامی و جامعه بشری بتوانند به‌بهترین و سهل‌ترین شکل ممکن، درک شفاف و کاربردی از نسبت خود با اهل بیت داشته باشند. به‌هرروی، این پیش‌فرض به روش تحلیلی و به‌صورت کتاب‌خانه‌ای با تحلیل و بررسی متون نیایشی اهل بیت برای دست‌یابی به یافته‌ها و نتیجه پیش خواهد رفت.

۲. بررسی مفاهیم

۲-۱. نماد

این اصطلاح یکی از مفاهیم مهم و پردامنه در دانش‌ها و علوم متعددی مانند زبان‌شناسی و ادبیات، فرهنگ‌شناسی، جامعه‌شناسی، دین‌شناسی، تاریخ و تمدن، باستان‌شناسی، هنر، رسانه و ارتباطات است. این واژه که معادل انگلیسی (symbol) است، در زبان فارسی به معنای نمود و نماینده دانسته شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۳۰). گاهی نیز آن را به معنای دال، نمودگار، نمون و رمز دانستند (آریان‌پور، ۱۳۸۵: ۲۲۵۸/۲). نماد معمولاً در هر موضوع محسوسی که انتقال‌دهنده یک معنای رمزی، نامحسوس و نامرئی و یا معناگرا باشد، قابل رهگیری است. دیگران نماد را وسیله‌ای ارتباطی معمولاً کلامی یا تصویری دانستند که فرستنده و گیرنده‌ی آن از دانش مشترکی برخوردار بوده، مبنی بر ملازمت اختیاری این نشان و یک معنای قراردادی است (مایکل پین، ۱۳۸۲: ۷۹۷).

نمادها معمولاً در اشیاء معناگرا، نگاره‌ها، تصویرها، ترسیم‌ها، رنگ‌ها، پیکره‌ها، علائم، نشانه‌ها، لباس‌ها، پرچم‌ها، و تمثال‌ها بروز پیدا می‌کنند. علاوه بر این، بخشی از نمادها در آیین‌ها و مناسک دینی در میان اقوام و ملل گوناگون قابل رصد است که هر کدام از آداب دینی، جنبه نمادینی در انتقال یک ارزش دینی را برخوردار هستند. به‌صورت رایج هر کدام از ادیان نیز مانند صلیب در مسیحیت، یک نماد بصری دارند. بخش دیگری از نمادها نیز در آداب قومیتی و محلی نمایان می‌شوند و نشان‌گر هویت جمعی یک قوم، یک نژاد و یک قبیله هستند.

اما نمادپردازی یا نمادگری به معنای به کارگیری یا کاربست نمادها در شکل‌های گوناگون ارتباط-های پیچیده (مثل زبان، هنر، موسیقی) است (ساعت‌چی، ۱۳۹۴: ۴۰۹). به‌صورت مشخص در عرصه



زبانی، نمادپردازی ناظر به اتخاذ یک واژه یا یک گزاره در انتقال یک معنای مشخص رمزی و ارتباط با دیگران در قالب آن واژه نمادین است. نمادپردازی زبانی به صورت فراوان در عرصه ادبیات، شعر، داستان‌ها و حکایات خود را بروز داده است. در ادبیات دینی نیز همین رویکرد قابل توجه و مذاقه است. مانند نمادشناسی واژه طیر در قرآن کریم (بشارتی، ۱۴۰۳: ۶۰)؛ هرچند نمادهای دینی منحصر در عرصه زبانی نیست و عرصه وسیع‌تری را شامل می‌گردد.^۱ نمادهای مرتبط با دین و آموزه‌های دینی گاهی در مناسک، آداب و آیین‌ها نمود دارند؛ گاهی در اماکن مقدس هر دین جلوه گر می‌شوند؛ گاهی در نگاره‌ها و ترسیم‌ها و اشکال نمادین هر دین قابل‌رهگیری هستند و گاهی نیز در ادبیات دینی و گزاره‌های دریافتی از پیشوایان دین قابل بررسی و مذاقه می‌باشند.

۲-۲. اهل بیت

این اصطلاح که برای جامعه اسلامی تقریباً معنای روشنی دارد، عنوانی وحیانی (احزاب: ۳۳) روایی (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۳۳/۱) است که در مبنای شیعی، ناظر به شخص رسول اعظم (ص) و افراد شاخص از فرزندان، بستگان و نسل ایشان است که دارای جایگاه ویژه الهی و دینی بوده‌اند و به جهت برخورداری از جایگاه عصمت، به عنوان «معصومان» هم شناخته می‌شوند. این گروه چهارده نفری در مبنای مشخص شیعی، در برگرفته حضرت زهرا سلام الله علیها، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حسین علیهما سلام و نه نفر از ذریه ایشان می‌باشد که در روایات شیعی به صورت مصداقی شناخته شده هستند (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۴۱). لذا روشن است که این اصطلاح، شمولی نسبت به همسران و سایر فرزندان و بستگان نسبی و سببی پیامبر و سایر فرزندان ائمه ندارد.

بایستی دانست که اهل بیت به عنوان شخصیت‌های شاخص و اصیل در جامعه اسلامی عصر حضور و اعصار آتی شناخته می‌شوند و نه تنها شیعیان، بلکه عموم مسلمانان ایشان را به عنوان اندیشمندانی صاحب نظر و عالمانی بی نظیر می‌شناختند. این موضوع در بدو امر، ناظر به حدیث نبوی «مدینه علم» منقول از فریقین است که جامع تمامی دانش‌ها و مشتمل بر علوم اجتماعی است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۳/۶۰ و ابن عربی، ۱۴۰۸ق: ۳/۱۱۱۴). بعد از آن، اقرار عموم جامعه حتی مخالفان در ادوار مختلف به جایگاه علمی و نظری ایشان است که قابل مقایسه با دیگران نیست. برای مثال فردی پس از طرح پرسشی پزشکی

۱. برای نمونه: ر.ک. تقی‌زاده داوری و بابایی، امید، تفسیر نمادهای دینی در مناسک شیعی، نشریه شیعه‌شناسی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۵۳، ص ۳۵-۶۶.



از امیرالمؤمنین و شنیدن پاسخ چند وجهی امام، به دانش وافر ایشان اذعان نمود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۵۳/۲). نیز به گزارش عبدالله بن سنان، فردی از خوارج پس از طرح پاسخ فلسفی از امام باقر علیه السلام و شنیدن پاسخ ایشان، چنین به علم امام اذعان نمود: «الله اعلم حیث یجعل رسالته» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۰۸). یا فرد دیگری به نام سندل پس از طرح اشکالی تاریخی بر گفتار امام صادق علیه السلام و شنیدن جواب ایشان، دقیقاً همین اقرار را ابراز داشت (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۲۷).

۳-۲. تمدن

واژه تمدن که ارتباط مستقیم با خروج انسان‌ها از مرحله بدویت و ورود به مرحله مدیّت، شهرآیینی و حیات اجتماعی و بین المللی او دارد، در نگاه تمدن‌پژوهان تعاریف متعدّدی دارد. از میان اندیشمندان داخلی، برخی آن را به معنای تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک گروه-های جامعه در پیشبرد اهداف مثبت انسان‌ها می‌دانند (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۶۱/۵). برخی تمدن‌نگاران غربی نیز آن را به معنای نظامی اجتماعی می‌دانند که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی می‌گردد (دورانت، ۱۳۶۵: ۲۵۶). در نگاه نگارنده، تمدن به صورت روشن ناظر به «نمود حیات جمعی بشر» (اسعدی، ۱۴۰۱: ۲۹) است که در ساحت‌های گوناگون حاکمیت، نهادهای علمی، ساز و کار اقتصادی، شهرسازی، معماری و غیره بروز می‌یابد. تمدن در واقع، نسبت انسان با انسان را در گستره پهن‌پیکر یک یا چند سرزمین و جمعیتی وسیع با اهداف مشترک و اشتراکات متنوع می‌نمایاند و یک هویت جمعی فارغ از قومیت، ملیّت و هرگونه ساختارهای خرد اجتماعی بروز می‌دهد.

در پژوهش حاضر، مراد از «جایگاه تمدنی» اهل بیت مرتبط با جانمایی مقام و شخصیت و شأن اجتماعی ایشان در نسبت با امت اسلامی به صورت فرا عصری و فرا تاریخی است که تمامی ادوار کهن و معاصر این تمدن را در بر می‌گردد و منحصر در عصر حضور نمی‌گردد. در واقع جایگاه تمدنی، جایگاهی کلان است که به جانمایی یک گروه یا قشر خاص در میان تمام اقشار امت اسلامی پرداخته و می‌کوشد نسبت این گروه را با تمام گروه‌ها، نخله‌ها، ملل، قبایل و قومیت‌ها روشن نماید تا هم وضعیّت مطلوب آن را ترسیم نماید و هم نقاط خلأ تاریخی در این مسئله را آشکار نموده باشد.

۲-۴. منار

برخی منابع کهن لغت‌شناسی در بیان پیشینه تاریخی این واژه به دوران جاهلیّت اشاره می‌کنند که نوری ایجاد می‌گردید تا به وسیله آن مردم راهنمایی بشوند و راه را پیدا کنند. آنگاه شمع چراغ‌دار و آنچه را که چراغ بر آن قرار می‌گیرد، در معنی مناره بیان و در نهایت، جایگاه مؤذن را به عنوان معنی دیگر آن



ذکر نموده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۷۶/۸). المحيط فی اللغة نیز مناره را به معنی شمع و آنچه چراغ بر آن قرار می‌گیرد، دانسته است (صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۴ق: ۲۵۰/۱۰). معجم المقاییس اللغة اصل مناره را از منوره دانسته و «منار الارض» را مأخوذ از همین می‌داند که به خاطر جنبه بیانی و ظهوری به این نام نامیده شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳۶۸/۵). این معانی اختصاصی به جامعه خاصی ندارد و در عموم ملل قابل فهم و تشخیص دانسته می‌شود.

اما در رویکردی گسترده‌تر، مفردات الفاظ القرآن، مناره را از مفعله از نور یا نار می‌داند و دو نوع مناره چراغ و مناره اذان تعریف می‌نماید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۲۸). دیگران مناره را مصداق سه چیز دانستند: اول موضع نور؛ دوم شمع دارای چراغ و سوم موضعی که چراغ بر آن قرار می‌گیرد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۴۰/۵). برخی نیز در معنایی متفاوت مناره به معنی علامتی دانسته‌اند که مرز بین دو همسایه را مشخص نموده است (زمخشری، ۱۴۱۷ق: ۳/۳۳۴)؛ اما آنچه در میان این معانی و مفاهیم روشن است، منار و مناره ناظر به موضوعی عینی یا شیئی خاص تعریف می‌شود که می‌تواند روشن‌گر و تعیین‌کننده باشد.

۳. یافته‌ها

به‌هرروی، بر اساس آنچه پیش رفت، در تبیین و تحلیل نمادپردازی در جایگاه اهل بیت ذیل مفهوم منار بایستی چند موضوع را مورد بررسی قرار داد که در ادامه از نظر خواهد گذشت:

نخست: جنبه عینی و محیطی منار

در حیات تاریخی و معاصر جامعه بشری و شهرهای شرق و غرب جهان، بخش زیادی از نمادها در قالب اشیاء قابل مشاهده و خاص مانند مجسمه‌ها، تندیس‌ها و سردیس‌ها، اِلمان‌ها، پیکره‌ها و موضوعاتی از این دست نمود یافته‌اند. آنچه در معنی و مفهوم منار آشکار است آن‌که این موضوع به یک شیئی مشخص و ملموس در میان تمامی اشیاء مجسم در محیط مربوط است. یعنی منار یک موضوع انتزاعی، فرضی، تصویری و غیرقابل تشخیص عینی در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه به‌صورت آشکارا قابل تعین و تمایز از سایر اشیاء در محیط است. به دیگر سخن منار، موضوعی نیست که در تشخیص فیزیکی آن ابهام و یا تردید به وجود آمده باشد. علاوه بر آن، جسمی نیست که از فرط کوچکی یا بزرگی مفرد، تشخیص آن به‌صورت عادی ناممکن باشد. منار جسمی است که با چشم غیرمسلح به‌آسانی قابل تشخیص بوده و ابزار خاصی برای رؤیت آن نیاز نیست.



در سطح دوم، منار علاوه بر تجسم، در فضایی با حیات انسانی تحقق می‌یابد و به‌عنوان یک جسم طبیعی و محیطی شناخته نمی‌شود. درواقع، منار مانند کوه و تپه و جنگل و دریا نیست که انسان پدیدآور آن‌ها نبوده باشد. بلکه این پدیده حاکی از نقش و عملکرد انسان در جایگاه یافتن آن است و انسان است که با معماری و سازندگی خود آن را به وجود می‌آورد. پس منار هرچند مصنوع انسان است؛ اما حاکی از وجود انسان هم هست؛ حال چه آن را در محیط شهری و روستایی بنا نموده باشد یا در راه‌ها، گذرگاه‌ها و سایر اماکن شکل گرفته باشد. البته به‌صورت عمده آن را در فضای شهری و زیست بوم انسانی می‌توان کاوید.

البته بایستی توجه داشت این تجسم دست، معماری و هنر انسانی، علاوه بر انسان با محیط نیز نسبت می‌یابد؛ همان‌گونه که در بسیاری از بیانات اهل بیت که پیش از این بیان شد، این واژه علاوه بر صورت مطلق آن، در نسبت با «بلد» نیز مطرح گردیده است و این مفهوم علاوه بر انسان با عناصر دیگری نیز نسبت یافته است. همان‌گونه که امیرالمؤمنین پس از توصیه به رعایت تقوای الهی در مورد عباد و بلاد، فرمود: «فإنکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۶۶)؛ لذا منارِ بلد، هم در نسبت با زیست انسانی قابل تعریف است و هم در نسبت با اماکن، محیط زیست و حتی حیوانات و جانورانی که در یک سرزمین زیست دارند. بر این اساس منار بدون هیچ قیدی و از جهت پدیداری به انسان مرتبط است و از جهت نسبت یافتگی با بلد، به انسان محدود نمی‌شود و شمول سرزمینی دارد.

دوم: جنبه نوری و روشن‌گری منار

همان‌گونه که از نگاه لغت‌شناسان بیان گردید، واژه محلّ بحث نسبت آشکاری با مفهوم نور و نورانیت دارد. همان‌گونه که برخی آن را به معنی شمع چراغ‌دار و اشیاء مرتبط با آن معنی نموده‌اند. حال این چراغ و شمع در نوع دیواری آن یا در نوع ستونی و استوانه‌ای آن بوده باشد، در هر صورت این ویژگی که محیط را روشن می‌نماید در آن به‌وضوح قابل درک است. هرچند برخی نیز معنای عام‌تری برای آن در هر پدیده‌ای که موضع نور باشد، بیان نمودند که پیش از این به تفصیل بیان گردید.

درک این جنبه در ویژگی منار، در دوران حیات سنتی بشریت که امکانات و تسهیلات عصر مدرن از استفاده از تجهیزات پیشرفته و کالاهای روشنایی وجود نداشته، اهمیت بیشتری می‌یابد. چه این که منار در آن فضا در حقیقت منشأ مستقل نور در نظر گرفته شده و اساساً مسیر دیگری غیر از چراغ و آتش و شمع، برای دریافت نور وجود نداشته است. در شرایط شاید بتوان گفت به‌نوعی این مفهوم از منار با لحاظ شرایط زمانی و عصری، نوعی از اصالت در روشن‌گری را نیز منتقل می‌نماید. یعنی روشن‌کنندگی منار در



یک جریان کلان مرکزی که امروزه در نیروگاه‌های برق تعریف می‌شود نبوده، بلکه این روشن‌سازی، ویژگی است که چراغ سنتی با تکیه به ظرفیت درونی خودش بروز می‌دهد نه با تکیه به منبعی دیگر. به‌دیگر سخن، نوری که منار در نگاه سنتی به آن برخورددار است، نوری متّخذ از غیر نبوده و نوری قائم به خود بوده و ویژگی درونی و منبع انرژی داخل خودش است. درحالی‌که عموم کالاهای روشنایی در عصر مدرن، در صورت فقدان برق، یا منبع تأمین انرژی مانند باتری و شارژ و امثال آن، اساساً کارآمدی خود را به‌صورت کلی از دست می‌دهند. بنابراین در جنبه دوم از بعد نمادین منار بایستی به این ویژگی توجه داشت که اولاً این پدیده روشن‌گر است و ثانیاً این روشن‌گری وابسته به دیگران نیست. هرچند به‌صورت طبیعی همان چراغ شهری سنتی نیز با سوخت مشخصی، روشنایی می‌بخشد. اما این سوخت از درون تغذیه شده و علاوه بر آن، این پدیده وقتی به انسان و به‌صورت خاص «اهل بیت» نسبت داده می‌شود جنبه روشن‌گری فردی و غیروابسته، نمود قابل درکی دارد.

سوم: جنبه راه‌نمایی و راه‌گشایی منار

مفهوم مجسم منار در فضای عمومی، شهری و محیطی در دوره زندگی سنتی بشر، یک کارکرد مشخص دارد و آن مربوط به روشن‌شدن راهها و کوچه‌ها و تمامی اماکن عمومی است. در این جنبه، منار کارکردی همسان با معنی فانوس در زبان فارسی دارد که البته در ادبیات و اشعار عرب نیز در کنار همین واژه دیده می‌شود (صفدی، ۱۳۸۱ق: ۱۶۲/۲۱)؛ لذا این جنبه را در هر دو واژه به صورت آشکار می‌توان دنبال نمود.

جنبه راه‌نمایی منار از یک جهت مبتنی بر جنبه نوری آن است که پیش از این بیان گردید و از جهت دیگر مبتنی بر بلندی و ویژگی رفعت و بالا بودن منار است؛ همان‌گونه که برخی شعرای عرب، ویژگی «ارتفاع» در منار را، جنبه امتیاز آن شمرده‌اند (ابن ابی الحدید، بی‌تا: ۳۷۱/۱۹). در واقع، مرتفع بودن منار به صورت عینی و مشهود، مفهوم جایگاه بالاتر را به ذهن متبادر و آن را از سایر اجزاء شهری و محیطی متمایز می‌سازد. این بعد نمادین نیز زمانی بهتر درک می‌شود که به فضای زندگی سنتی در شهرهای کهن دقت شود که عموم منازل و بناها سطحی نزدیک به یکدیگر داشته و معمولاً فقط برج‌ها، میل‌ها و مناره‌ها سطحی مرتفع نسبت به سایر ابنیه داشتند. برای مثال در زندگی امروزی که برج‌ها و بناهای مرتفع زیادی در شهرها قابل رؤیت است، برج میلاد در شهر تهران را می‌توان به ویژگی مرتفع بودن نسبت به سایر سازه‌ها در این شهر به روشنی درک نمود. به‌دیگر سخن این ویژگی را بایستی در جنبه خاص بودن و متمایز بودن از دور و نزدیک در نظر گرفت و آنگاه به جنبه راه‌نما بودن آن پی برد.



چهارم: جنبه آیینی و آوایی منار

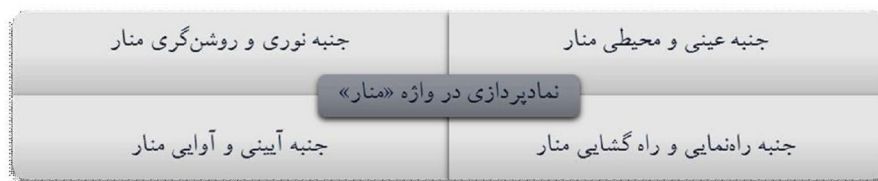
در فرهنگ دینی و تمدن اسلامی که آداب و شعائر مذهبی بخشی از زندگی مسلمانان شناخته می‌شود، فارغ از جنبه‌های پیشین، منار جنبه چهارمی نیز دارد که مربوط به کارکرد دینی آن است. در شهر اسلامی، منار جایگاه خاص و منحصر به فردی در قرارگیری مؤذن در آن و اعلان پیام دینی اذان است که به صورت صوتی و آوایی به همگان انتقال داده می‌شود؛ چنان‌که در برخی اشعار عرب، این موضوع در نسبت با «ذکر ربّ» و یاد پروردگار تبیین شده است (موسوی حسینی، ۱۳۷۵: ۲۶۲/۲). در حقیقت این جنبه نمادین در موضوع منار، آن را دارای تقدّس و جایگاهی الهی می‌نماید؛ چه این که منار و مأذنه به صورت اختصاصی، سگویی برای انتشار پیام توحید، نبوّت، ولایت و فراخوان به بهترین نیکی‌ها، نماز و ارتباط با خالق است. در این جهت رفعت منار در کنار آوای اذان، آشکارا انتقال دهنده ارزش بالاتر و اهمیت بیشتر مفهوم دین و توحید در کنار تمام موضوعات دیگر است.

بر این اساس، جنبه چهارم از یک جهت می‌تواند جنبه تکمیلی برای جنبه پیشین داشته باشد و از جهت دیگر، می‌تواند نقطه مجزایی در نظر گرفته شود. به این معنا که حتی اگر شخص در موقعیتی قرار گرفته باشد که به صورت عینی منار را نمی‌بیند، اما در اوقات شرعی، به صورت طبیعی آوای اذان به گوش او خواهد رسید. در واقع منار در جنبه چهارم علاوه بر بعد بصری، بعد سمعی هم پیدا نموده است و یک رسانه کامل دیداری شنیداری در نظر گرفته می‌شود تا هم در فضای شهری، نمودی از جایگاه پیام الهی را بنمایاند و هم در اوقات خاص، آوای الهی را منتشر سازد.

جالب آن‌که در عرصه فقه و نظام شریعت نیز همین جنبه آوایی، به عنوان یکی از عناصر هویت بخش به شهر اسلامی مطرح می‌شود. امام صادق علیه السلام در بیان حدّ ترخّص برای مسافر فرمود: «هنگامی که در موضعی بودی که اذان را می‌شنیدی، نمازت را کامل بخوان و هنگامی که در موضعی بودی که اذان را نمی‌شنیدی، نمازت را شکسته بخوان...» (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۲۳۰/۴). در واقع، فارغ از جنبه شرعی و فقهی، در جنبه فرهنگی و تمدنی آوای اذان که از مناره شهر به گوش می‌رسد، معیار شاخص-گذار در مختصات شهر دینی است و هر جا که این آوا قابل شنیدن نبود، اساساً هویت شهر اسلامی، منتفی است. این نکته نمادین می‌تواند حامل این پیام مهم فرهنگی در عرصه سیاست گذاری باشد که مدیران فرهنگی بایستی سبک زندگی جامعه دینی و یا سازمان را به نحوی تمشیت کنند که در فضای عمومی آن مجموعه، روح توحید و آوای توحیدی حاکم بوده باشد.



به هر روی بر اساس آنچه پیش رفت، نمادپردازی نسبت به جایگاه اهل بیت در قالب کاربست واژه منار، در یک ساختار چهار بُعدی قابل توجه است:



اینک پس از بیان چهار جنبه فوق، مسیر انطباق نمادین این جهات بر جایگاه فرهنگی و تمدنی اهل بیت به روشنی قابل ترسیم است:

از جهت نخست، اهل بیت به عنوان یک شخصیت تشخص یافته در فضای جامعه اسلامی، نه افرادی گمنام و مبهم بوده و نه حیات و ممات آنان از مرئی و منظر دیگران پنهان بوده است. حیات دنیوی اهل بیت، با حاجب و حائل در ارتباط با عموم جامعه نبوده؛ بلکه آنان به صورت ملموس همواره در میان مردم زندگی می نمودند و با اقشار مختلف جامعه، هم نشین، هم سفره، هم سفر و همراه بودند. چنان که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «... أجسادکم فی الأجساد و أرواحکم فی الأرواح و أنفسکم فی النفوس...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۶۱۶/۲).

از جهت دوم اهل بیت به عنوان افرادی که هم وجودشان (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۲۹) و هم گفتارشان «نور» معرفی شده (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۶۱۶/۲)، در کنار قرآن کریم که نور است (مائده: ۱۵)، نورافزایی و نورنمایی را به عنوان یک منبع انسانی که منار معرفی شده، عهده دار هستند. فارغ از مباحث مربوط به خلقت نوری اهل بیت، در بُعد اجتماعی و تمدنی، شخصیتی که منار است، به صورت طبیعی خاصیت روشن‌گری دارد و می تواند ظلمت‌های فکری، روحی و شناختی را از جامعه بشری بزداید. این ظلمت‌زدایی، هم در منش شخصی آن بزرگواران قابل رهگیری و هم در گفتار تبیین‌گر ایشان قابل رصد است.

مکمل جنبه پیشین در جهت سوم قابل توجه است که این ویژگی در مورد اهل بیت و تک تک پیشوایان دین در جنبه هدایت‌گری کاملاً روشن و قابل فهم است؛ خصوصاً آن که قبلاً بیان گردید که در برخی موارد کاربست واژه منار، این عنوان با موضوع هدایت نسبت یافته است.



در جهت چهارم نیز می‌توان گفتارها و بیانات اهل بیت را به عنوان آوای الهی و دینی در نظر گرفت. یعنی اگر محتوای اذان در مأذنه و مناره، کلیت توحید و نبوت و اعمال صالح را اطلاع‌رسانی می‌کند، اهل بیت نیز جزئیات اصول و فروع دین را در احادیث و بیانات خود تشریح و تبیین می‌کنند و وجود ایشان، آموزش‌گاه چهره به چهره دین در ارتباط با آحاد شناخته می‌شوند و برای نسل‌های آتی نیز تراث روایی ایشان همین کارکرد روشن را برخوردار است.

البته از بُعد دیگر، اهل بیت از آن‌جا که به عنوان «تراجمة لوحیه» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۱۸) شناخته می‌شوند، آوای ایشان تبیین آوای نورانی وحی نیز دانسته می‌شود که در واقع ضلع مکمل ثقل اکبر لحاظ می‌گردد. به‌دیگر سخن، اهل بیت سکوی شخصیتی اعلام و اعلان پیام اصیل وحی در جلسات و روایات تفسیری خود دانسته می‌شوند و نقش تفهیم کلام نورانی وحی را در زدایش هرگونه تفاسیر انحرافی و تفاسیر به رأی ایفا می‌نمایند.

ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر جایگاه اهل بیت با عنوان منار در برخی بیانات ایشان در نسبت به «بلد» مطرح گردیده، آیا این تعبیر، موضوع را محدود به سرزمین و یا دوره خاص تاریخی نمی‌کند؟ به‌دیگر سخن، آیا منار بلد بودن اهل بیت برای جایگاه تمدنی ایشان، محدودیت‌زا نیست؟ درحالی‌که ما می‌دانیم جایگاه الهی و دینی اهل بیت، محدود به زمان و مکان خاص انگاشته نمی‌گردد.

در پاسخ بایستی به چند نکته توجه نمود:

نخست آن‌که در سایر بیانات اهل بیت چه در متون نیایشی و چه در متون خطابی، نامه‌ها و گفتگوها، جایگاه فراعصری و فرانسلی اهل بیت نسبت به امت اسلامی بیان گردیده است. همان‌گونه که رسول خدا (ص) پدری پیامبر و امام را نه نسبت با جامعه و یک نسل، بلکه در نسبت با «امت» تعریف نمودند. این مسئله حتی در بعد زمینی و سرزمینی نیز به‌صراحت بیان گردیده است. چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «لولا ما فی الارض منا لساخت الارض بأهلها...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۱۷). علاوه بر این‌که عنوان نیز جمع آمده (بلاد) و می‌تواند سرزمین‌های متعدّد را شامل گردد و محدود به سرزمینی خاص تلقی نگردد. نکته دیگر آن‌که چنان‌که منار در نسبت با یک مسجد یا یک بنای خاص در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلاد و سرزمین‌ها نیز نسبتی با مکان خاصی ندارند. لذا وقتی این عنوان در بیان معصوم به بلد نسبت داده شده، به‌صورت مشخص، جنبه عمومیت و گستره وسیع آن را التفات می‌دهد تا این نکته را بفهماند که جایگاه ایشان محدود در بنای خاص و محیط محدود انگاشته نمی‌گردد.



پرسش دیگر این که با توجه به رویکرد سنتی و کهن به کارکردهای منار در فضای شهری، و عدم جریان بسیاری از این کارکردها در زندگی پیشرفته امروزی، آیا همچنان جنبه نمادین در مفهوم منار برای اهل بیت برقرار است؟ یعنی آیا فهم نمادگرایانه از موضوع منار در فضای جامعه امروز جهان هم قابل تسری است؟ در پاسخ بایستی به این نکته توجه داشت که جنس مباحث تاریخی به صورت رایج همین ویژگی را دارد که موضوعات گونه گون را در بستر زمان و زمین خاص می کاود و اقتضائات زمانه را در فهم یک پدیده یا یک مسئله تاریخی در نظر می گیرد. برای مثال، جنبه چراغ بودن و روشن گری محیطی در منار ناظر به یک نیاز رایج در یک دوره تاریخی مشخص است. اما فهم کلی از جنبه نمادین آن در نسبت با اهل بیت جنبه محدود زمانی ندارد؛ چه این که در سایر آموزه های اهل بیت نیز مانند استفاده از مرکب برای حمل و نقل، استفاده از شمشیر در برابر دشمن و... نیز اقتضائات زمانی برای درک یک موضوع یا یک آموزه به صورت طبیعی جریان دارد.

علاوه بر آن مناره اگر در معادل فارسی آن به عنوان «گل دسته» در نظر گرفته شود و یا حتی همان اصطلاح محل بحث، همچنان موضوعی رایج است که در مساجد، مصلای شهرها و حرم های شریفه اهل بیت وجود دارد و موضوعی دور از درک عمومی جامعه و جهان در نظر گرفته نمی شود. اگر جنبه چراغی و نورانی مناره با پیشرفت صنعت و فن آوری، کارکرد ندارد، همچنان جنبه آیینی و معماری مقدس آن، جایگاه خود را محفوظ داشته است. هرچند برای درک گفتار اهل بیت بایستی تمامی ابعاد تاریخی آن را در فرهنگ زمانه در نظر گرفت. بنابراین با درک جنبه های تاریخی و مفهوم شناسی آن در بستر زمانه، جنبه نمادپردازی آن هم قابل درک خواهد بود.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های پژوهش حاضر، کاربست واژه منار در تبیین جایگاه تمدنی اهل بیت، به عنوان بخشی از نمادپردازی جایگاه ایشان در نظر گرفته می شود تا ابعاد نامحسوس و معناگرایانه در فهم موقعیت فراتاریخی اهل بیت، به صورت عینی و مجسم درک گردد. لذا می توان نتیجه گرفت که حتی در ادعیه و زیارات که به صورت طبیعی جنبه معنوی دارند، می توان ابعاد محسوس و ملموس را در معناسازی و پیام پردازی جانمایی نمود و این مسئله بار دیگر، تلفیق ماده و معنا در فرهنگ اسلامی را رهنمون می گردد. نتیجه دیگر آن که در متن ادعیه و زیارات، نه تنها بایستی فرازاها و گزاره ها مورد توجه و تعمق قرار گیرند، بلکه علاوه بر آن تک واژه ها و اصطلاحات نیز بایستی مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرند و تحلیل واژگان



به صورت مستقل، می تواند حامل بار معرفتی و شناختی مجزا از گزاره ها بوده باشد و حتی بتوان سیر تاریخی و کارکرد اجتماعی آن ها را مورد واکاوی قرار داد.

نتیجه سوم آن که کاربرست این واژه در زیارات، می تواند حاکی از یک روش مستقل نمادگرایانه در تبلیغ و آموزش مفاهیم دینی باشد. یعنی هم موضوع معرفت به امام که یکی از ارزش های دینی است و هم سایر مفاهیم، می توانند با استفاده از مفاهیم ملموسی چون منار، به جامعه هدف منتقل شوند و این انتقال محسوس معنا، خود به عنوان یک شیوه آموزشی، خصوصاً در موضوعاتی که جنبه شناختی و معرفتی سنگین تری دارند، مورد استفاده مبلغان، معلمان دینی و مربیان پرورشی قرار گیرد؛ چه در قالب گفتاری و چه در قالب عینی و تجسمی که برای دانش آموزان و متربیان جذابیت بیشتری دارد.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- **صحیفه سجادیه**، علی بن الحسین. (۱۳۷۶) .. چاپ اول، قم: الهادی.

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (بی تا). **شرح نهج البلاغه**. چاپ اول، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). **کمال الدین و تمام النعمه**. مصحح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم، تهران: اسلامیه.

- (۱۳۹۸ق). **التوحید**. مصحح: هاشم حسینی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.

- (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**. مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

- ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ق). **مسند احمد**. چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). **مناقب آل ابی طالب**. چاپ اول، قم: علامه.

- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). **اقبال الاعمال**. چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- (۱۴۱۱ق). **مهج الدعوات و منهج العبادات**. چاپ اول، قم: دار الذخائر.

- ابن عربی، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق). **احکام القرآن**. چاپ اول، بیروت، دار الجیل.

- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). **کامل الزیارات**. چاپ اول، نجف: دارالمرتضویه.

- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). **المزار الکبیر**. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.

- اسعدی، محمد مصطفی. (۱۴۰۱). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. چاپ اول، قم: نشر معارف.

- آریان پور، منوچهر و همکاران. (۱۳۸۵). **فرهنگ انگلیسی به فارسی**. چاپ چهارم، تهران: جهان رایانه.

- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). **روح المعانی**. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.



- پین، مایکل. (۱۳۸۲). **فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسادرنیته**. پیام یزدان‌جو، تهران: نشر مرکز.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۰ق). **الفارات**. چاپ اول، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۲). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**. چاپ دوم، تهران: به نشر.
- خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). **کفایه الاثر فی النص علی الاثمه اثنی عشر**. چاپ اول، قم: بیدار.
- دورانت، ویل. (۱۳۶۵). **درآمدی بر تاریخ تمدن**، ترجمه: احمد آرام و دیگران. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ القرآن**. چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۷ق). **الفائق فی غریب الحدیث**. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۹۴). **فرهنگ روان‌شناسی**. چاپ دوم، تهران: معین.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). **نهج البلاغه**. مصحح: صبحی صالح. چاپ اول، قم: هجرت.
- صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). **المحیط فی اللغة**. چاپ اول، بیروت: عالم‌الکتاب.
- صفدی، خلیل بن ابیک. (۱۳۸۱ق). **الوافی بالوفیات**. چاپ دوم، دار النشر فرائز شتاینر.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). **الاحتجاج علی اهل اللجاج**. مصحح: محمدباقر خراسان. چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**. حقیقه و علق: حسن الموسوی الخراسان. چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۱۴۱۱ق). **مصباح المتعبد و سلاح المتعبد**. چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- (۱۴۱۴ق). **الامالی**. چاپ اول، قم: دارالثقافه.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). **فرهنگ فارسی**. چاپ اول، تهران: راه رشد.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**. چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). **تفسیر القمی**. چاپ سوم، قم: دارالکتاب.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). **الارشاد فی معرفه حجج الله تعالی علی العباد**. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی حسینی، عباس بن علی. (۱۳۷۵). **نزهة الجلیس و منه الادیب الانیس**. چاپ اول، قم: المکتبه الحیدریه.
- مقالات:
- بشارتی، زهرا. (۱۴۰۳). «نمادشناسی واژه طیر در قرآن با تکیه بر رویکرد ژان شوالیه و جی سی کوپر». نشریه **اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در جهان معاصر**. بهار و تابستان ۱۴۰۳، سال سوم، شماره ۱.
- بهرامی سامانی، نازنین و دیگران. (۱۴۰۱). «نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در مناره‌ها و میل‌های راهنما». **هویت شهر**، شماره ۴۹، ص ۵۹-۷۰.
- صیادنژاد، علی‌رضا. (۱۴۰۱). «بازخوانی نماد مناره مساجد اسلامی در رویکردی تاریخی و پدیدارشناسانه». **سخن تاریخ**، شماره ۳۹، ص ۷-۳۵.
- نوری، علی و اعظم عاشوری. (۱۳۸۸). «تأثیر دعا در رشد و شکوفایی فرهنگی و تمدنی شیعه». **تاریخ اسلام**، شماره ۴۰، ص ۸۳-۱۰۴.

